



شبهات شکست خورده غدیر/ ولایت امیرالمومنین(ع)، رستگاری عظیم است

نوشتار پیش رو ابتدا قسمت های مهمی از خطبه غدیر را بازخوانی کرده و در ادامه شبهاتی که به مساله غدیر سهوا یا از روی غرض ورزی وارد می شود را با چند دلیل محکم پاسخ داده و رد کرده است.

نوشتار پیش رو ابتدا قسمت های مهمی از خطبه غدیر را بازخوانی کرده و در ادامه شبهاتی که به مساله غدیر سهوا یا از روی غرض ورزی وارد می شود را با چند دلیل محکم پاسخ داده و رد کرده است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: این نوشتار ابتدا قسمت های مهمی از خطبه غدیر را بازخوانی کرده و در ادامه شبهاتی که به مساله غدیر سهوا یا از روی غرض ورزی وارد می شود را با چند دلیل محکم پاسخ داده و رد کرده است.

با توجه به موقعیت خاصی که غدیر داشته باید گفت حضرت پیامبر(ص) در آن روز قطعا امر مهمی را به مردم ابلاغ کرده‌اند. زیرا در آن گرمای سوزان و در آن بیابان، پس از اعمال سخت حج که تمام مردم خسته بوده و گردآوری صدو بیست هزار نفر از مردم به نحوی که صبر کنند تا تمام مردم خود را به اجتماع برسانند و سه روز اقامت در آنجا برای بیعت گرفتن از تک تک مردم اعم از زن و مرد و پیر و جوان، طول بکشد، حتما برای امری حیاتی بوده است.

همچنین با مد نظر قرار دادن این قضیه که پیامبر(ص) می‌فرمایند این اجتماع آخرین اجتماعی است که من دارم و عمر من رو به پایان است، پس قرار است حرف مهمی زده شود و با مردم اتمام حجت گردد. لذا بررسی این خطبه عظیم امری ضروری است. اما به صورت خلاصه می‌توان مهم ترین مطالب خطبه را اینگونه بیان کرد: توحید، نبوت، ولایت علی بن ابیطالب(ع)، یادآوری دوازده امام، فضایل اهل بیت(ع)، فضایل امیرالمومنین علی(ع)، اختصاص لقب امیرالمومنین به علی بن ابیطالب، علم اهل بیت، ذکر حضرت مهدی موعود، ویژگی محبان و شیعیان اهل بیت، ویژگی دشمنان اهل بیت(ع)، امامان ضلالت، و گمراهی، اتمام حجت بیعت، سفارش به قرآن، تفسیر قرآن، سفارش و توجه به امور حلال و حرام، نماز، حج و عمره، امر به معروف و نهی از منکر، معاد و قیامت و دست آخر زکات.

چند نکته مهم از خطبه غدیر

پیامبر(ص) می‌فرمایند: من آنچه مامور به ابلاغش بودم رسانیدم تا بر هر حاضر و غائب، و هر کس که حضور دارد یا ندارد و هر کس که به دنیا آمده یا هنوز نیامده، حجت باشد. اهمیت سخنان و خطبه های ایراد شده در روز غدیر و همچنین جمعیت بسیار زیاد حج الوداع به قدری بوده که حضرت یقین داشتند واقعه غدیر ماندگار خواهد شد و در تمام اعصار و برای همه مردم باقی خواهد ماند. علاوه بر تعداد جمعیت، افرادی مشغول به نوشتن شده بودند و عده ای برای این واقعه شعری سرودند. پس جای هیچ شبهه ای برای انکار غدیر باقی نماند.

نقل واقعه غدیر تا قیامت

یکی از سفارشات پیامبر(ص) در غدیر این بود که حاضران به غایبان و پدران به فرزندان تا روز قیامت این واقعه را برسانند. این سفارش، نشان دهنده اهمیت این واقعه است. از همین سفارش پیامبر(ص) درمی‌یابیم که یکی از وظایف مهم هر پدری، حب و اطاعت از امیرالمومنین(ع) و انتقال آن به نسل بعد از خود است. اینکه انسان تنها خودش به این ولایت معتقد باشد کفایت نمی‌کند و در جهت اعتقاد و التزام فرزندان خود نیز باید بکوشد.

یادآوری ولایت، بزرگترین امر به معروف

پیامبر(ص) علاوه بر سفارش کلی به امر به معروف و نهی از منکر، به صورت خاص هم به این امر سفارش کرده و می‌فرمایند: «بالاترین امر به معروف آن است که کلام مرا فراگیرید و به آنان که حاضر نیستند برسانید و آنان را امر به قبول آن و نهی از مخالفت آن نمائید.» ایشان نفس معروف را ولایت امیرالمومنین(ع) دانسته و منکر را اجتناب از آن می‌دانند. لذا اگر کسی به ولایت حضرت علی(ع) اعتقاد نداشته باشد دچار منکر می‌شود.

ولایت امیرالمومنین(ع)، رستگاری عظیم

پیامبر اکرم(ص) در این روز نه تنها به ولایت امیرالمومنین سفارش کردند بلکه فلاح و رستگاری را در اطاعت و ولایت از ایشان و اهل بیت عصمت و طهارت می‌دانند. ایشان می‌فرمایند: «هرکس خدا و رسولش و امامانی که ذکر کردم (یعنی ائمه دوازده گانه) را اطاعت کند به رستگاری عظیم دست یافته است.» یعنی تنها کسی می‌تواند رستگار باشد که ائمه معصومین را اطاعت کند که قطعاً سخن امام، سخن خدا و رسول خداست و اطاعت از او اطاعت از خداست.

پیامبر بزرگوار ما در آن روز نتیجه مخالفت با امام علی(ع) را جز شقاوت نخواندند و فرمودند: «ملعون است کسی که مخالفت علی(ع) را نماید.» یعنی اعمال انسان بدون اطاعت و ولایت علی(ع)، مقبول واقع نخواهد شد و انسان مورد لعن خدا واقع می‌شود.

و علیٰ بابها...

حضرت در آن روز از شان و منزلت امام علی(ع) و خاندان ایشان بسیار سخن گفتند. یکی از مهم‌ترین سخنان در این باره صحبت از شان و مقام علمی علی(ع) است. پیامبر فرمودند: هیچ علمی نیست مگر آنکه خداوند به من تعلیم فرموده و هیچ علمی نیست مگر آن که من آن را به علی(ع) آموخته‌ام. کسی که علم همه چیز را داراست و تقوای عمل به علم الهی را هم دارد، بیش از همه سزاوار پیروی و اطاعت است. امام علی(ع) به بیان پیامبر(ص) گنجینه تمام علوم و اسرار الهی است.

پرستش خدا بی ولایت علی(ع) باطل است

پیامبر(ص) می‌فرمایند: «بدانید که خداوند او را برایتان صاحب اختیار و امام قرار داده، پیروی او را بر مهاجران و انصار و آنان که به نیکی از ایشان پیروی می‌کنند و بر صحرائشینان و شهروندان و بر عجم و عرب و آزاد و برده و بر کوچک و بزرگ و سفید و سیاه و بر هر یکتاپرست لازم شمرده است. ایشان علاوه بر سفارش کلی به اطاعت از حضرت علی(ع)، به تک تک مردم سفارش می‌کند و از پیر و جوان و اقوام مختلف نام می‌برند. هم‌چنین ایشان با آوردن صفت یکتاپرست، دوباره یادآوری می‌کنند که اطاعت از امام و رسول، لازمه یکتاپرستی است. پرستش خداوند به تنهایی کافی نیست و اطاعت از ولی خدا هم لازم است. هم‌چنین ایشان حضرت علی(ع) را صاحب اختیار مردم خوانده و با این صفت حجت را بر مردم تمام کردند. یعنی امام، بر تمام جسم و جان و اموال مردم حق اختیار دارد.»

اما در کنار مستندات صریحی که در خصوص تایید ولایت و امامت و جانشینی حضرت امیر و فرزندان او بعد از پیامبر(ص) در خطبه غدیر آمده، اما شبهاتی هم بعضاً چه از سر ناآگاهی و چه از روی بغض مطرح شده است.

ولی، دوست یا سرپرست؟

معنای ولی در خطبه غدیر «من کنت مولاه، فعلى مولاه» (هرکس من مولای او هستم، از این به بعد علی(ع) مولای اوست). چیست؟ برخی این شبهه را مطرح می‌کنند که ولی در اینجا صرفاً به معنای دوست می‌باشد. می‌گویند پیامبر(ص) در اینجا سفارش به اطاعت از حضرت علی(ع) نکرده بلکه سفارش به دوستی ایشان کرده.

اگر از لحاظ لغوی بررسی کنیم، در کتب تخصصی، «ولی» به معنای سرپرست و کسی که زمام امور افراد را به دست می‌گیرد (صاحب اختیار) آمده. حتی در کتب علمای اهل سنت آمده که کلمه مولا در جمله من کنت مولاه به معنی سرپرستی است، نه دوستی خالی.

خطاب تند خداوند در آیه قرآن نیز این مسئله را تایید می‌کند. زیرا اعلام دوستی با امام علی(ع) آنقدر اهمیت ندارد که خداوند عدم اعلام آن را برابر با عدم اتمام در رسالت و به باد رفتن زحمات بیست و سه ساله پیامبر(ص) بداند.

هم‌چنین خداوند پیامبرش را در همین آیه دل‌داری داده و می‌فرماید: «در راستای اجرای این ماموریت خداوند تو را در مقابل توطئه‌های مردم محافظت می‌کند. والله یعصمک من الناس.»

این نشان می‌دهد که قرار است اتفاق مهمی رخ دهد که ممکن است برای پیامبر(ص) توطئه کنند. اگر مسئله مهم نبود و صرفاً اعلام دوستی بود، نیازی به طراحی توطئه توسط منافقان و از آن سو تاکید بر حفظ پیامبر(ص) از این توطئه توسط خداوند نبود.

از دیگر دلایل برای اثبات ولایت به معنای سرپرستی، انتخاب مکان استراتژیکی توسط پیامبر(ص) بود. سرزمین جحفه چهار

راهی بود که موجب انشعاب و پراکندگی مسافران می‌شد. در واقع از آن‌جا مسیر بسیاری از حاجیان از هم جدا می‌شد. پیامبر(ص) آن‌جا را انتخاب کردند تا قبل از اینکه کسی مسیر خود را جدا کند، این خبر را بشنود و از آنان بیعت بگیرد و برای این کار سه روز در آن‌جا اقامت گزیدند تا تک تک مردم و حتی بانوان با امام علی(ع) بیعت کرده و یک به یک به ایشان تبریک بگویند.

اصرار پیامبر(ص) به اینکه صبر کنند تا همه جماعت حضور پیداکنند، به نحوی که رفته‌ها باز گردند و عقب مانده‌ها برسند و حاضران به غایبان تا روز قیامت اطلاع دهند جای هیچ شک و شبهه‌ای برای کسی باقی نمی‌گذارد که حتماً قرار است موضوعی حیاتی و مهم و بااهمیت‌تر از اعلام یک دوستی ساده بیان شود.

بدیهی است که عاقلانه نیست که پیامبر(ص) پس از آن حج باشکوه، مردم خسته را در آن گرمای طاقت فرسا گرد هم آورده و سه روز آن‌ها را نگه داشته و در نهایت به خاطر اعلام دوستی با امیرالمومنین(ع)، از تک‌تک آن‌ها بیعت بگیرد! باید گفت که منظور پیامبر(ص) از ولایت، قطعاً سرپرستی و صاحب‌اختیاری امیرالمومنین(ع) بر انسان‌هاست.